



کیوان زرگری
keyvanzargari@yahoo.com
کارنویس

تماشاخانه

ساخت واکسن کرونا به یک مسابقه تبدیل شده است.



شهرنگ

پیرواگفتم: به ماشد عرصه تنگ | توی دنیای پراز اندوه و جنگ
جز شکیبایی چه باشد راهکار؟ | خنده کردود پاسخ: «شهرنگ»

صفحه روزانه طنز و کارتون

شماره هزار و صد و هشتاد و هفتم

شهرنگ

صفحه آخر

دوشنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۰
سال نهم شماره ۲۲۲۳

می توانید QRCode زیر را

با گوشی اسکن کنید



اینستاگرام شهرنگ: Instagram.com/shahrvang1 | ایمیل شهرنگ: shahrvang1@gmail.com

در بهمن سال ۹۹ حدود ۲۶ نفر از شهروندان
به دلیل خاموشی بزرگراه‌ها از دنیا رفتند

نیروگاه برق: به مازو تم!

علی مطهری: روشن کردن چراغ بزرگراه‌ها

باعث تحریک ماشین‌های بزرگتری شود!

کرونا: ممنوع کنید، یکی جلوی تصمیمات روبگیره!

کارشناس تلویزیون:

دارم فکرمی کنم که با محدودیت و مصونیت تاریکی چه جمله بسازم!

مردان غربی: اگر ما هم از این خاموشی‌ها داشتیم

وضع بزرگراهی مون این نبود!

مردم: اینترنت و برق خونه رو هم قطع کنید که شب‌ها همه با هم بخوابیم!
#ن بابا برقی در گور لرزید #رقابت بر خی با کرونا شدید شده #شهرنگ

سنگ مفت، حرف مفت!

تولید هیدروستات فضاپیما
در زیر زمین!



شهرام شهیدی
طنز نویس

سنگ اول:

یکی از کسانی که قصد دارد دوباره در انتخابات نامزد شود و با رأی بسیار بالایی هم چهارم شود، گفته «خانواده داری و خانواده‌سازی را یک شغل خواهیم کرد.»

ایشان تصریح کرد: «فعالیت خانم‌هایی که در این دو مسئولیت در خانه کار کنند، شغل محسوب خواهد شد و دولت مردمی باید به آنها حقوق بدهد.»

فقط برای من یک سوال به وجود می‌آید. مشاغل تعریف خاص خودشان را دارند. در هر شغلی بین کارفرما و کارمند یک قرارداد و یک بده بستانی هست.

پرسش یک: زنی که شغل خانواده‌داری و خانواده‌سازی دارد، حتما کارمند محسوب می‌شود. در این صورت کارفرمایش کیست؟ آقای آقابالاسر؟

پرسش دو: خانواده داری و خانواده‌سازی دو شغل نیست؟ خدای نکرده فردا نکویند دو شغله است و باید از یکی از آنها برود کنار؟

پرسش سه: اگر زنی بخواهد از این شغل عجیب خود استعفا بدهد، چه می‌شود؟ چه کسی قرار است با استعفا او مخالفت یا موافقت کند؟

گفت و گوی آینده:

زن: من دیگه از این بشور و بساب و بیز و بیار و ببر خسته شدم مرد. پات را انداختی رو پات فوتبال می‌بینی و پوست تخمه می‌اندازی رو زمین؟ مگه کنیز آوردی؟ از فردا برمی‌گردم سر همون شغل مهندسی که تو و خانواده‌ات گذاشتین ادامه‌اش بدم.

مرد: متأسفانه با استعفا شما مخالفت می‌شود.

بیانیه: بالاخر تا برای به دست آوردن رأی زنان هم که شده، یک ذره ژست الکی بگیرید و از این طرح‌های مردسالارانه‌تان رونمایی نکنید. بعد از انتخاب شدن به اندازه کافی فرصت دارید زن‌ها را نابود کنید.

سنگ دوم

ایشان البته در حوزه صنعت هم ورود کرده و گفته «تصور کنید در یک شهرک صنعتی دو کارخانه لوازم خانگی وجود داشته باشد، قطعات مورد نیاز این کارخانه‌ها می‌تواند در منازل مردم تولید شود.»

گفت و گو:

زن: مرد باز با دوستهات تو زیر زمین چه غلطی داری می‌کنی؟ نکنه باز هم رفتی سمت اون خانه خراب کن؟

مرد: این چه حرفیه زن؟ دارم هیدروستات لباسشویی تولید می‌کنم.

صدای دوستان مرد از زیر زمین: زود بیا دیگه. این سری قراره هیدروستات فضاپیما تولید کنیم جون تو. سهیل جان آتش را روشن کن ببینم. فندک بز. آبار یکلا.

امیرمسعود فلاح

رفت، دکتر گفت: «حالا هر کدام از آقایان حاضر در جلسه، اول خوب به عکس گل و بلبل پروفایل دختر خانم‌ها نگاه کنه. عکس‌ها رو بزرگ کنه و از نزدیک خوب ببینه. بعدا که تحت تأثیر قرار نگره، اعلام کنه.» آقایانی که اعلام بی‌حسی کردند به درخواست دکتر، از جلسه بیرون رفتند. دکتر گفت: «خب، اون آقایون بی‌احساس، بیمار بودند و باید می‌رفتند بیرون. حالا ما با یه جمع سالم بانگیزه و سرشار از احساسات طرفیم. من رأی شما رو می‌خوام، شما رو می‌خوام، اونا رو نمی‌خوام. برید و افراد سالم دوروبرتون رو شناسایی کنید و رأی‌شون رو برام بگیرید.» شرکت کنندگان با خوشحالی از اینکه سالمند و با امید به آینده، جلسه را ترک کردند.

بودند، خواست فقط آنهایی که عکس پروفایلشان صورت خودشان نیست و گل و بلبل است، بمانند و بقیه بروند. یک دختر مجرد که عکس پروفایلش صورت خودش بود، گفت: «آقای دکتر، فقط اجازه بدید قبل از رفتن یک سوال بپرسم: من کانادا زندگی می‌کنم و برای شرکت در سخنرانی راهگشای شما عکس پروفایل رو فتوشاپ کردم. الان هم ورژن آی‌اواس فتوشاپ روی گوشیم هست. می‌خواید بیشتر فتوشاپ کنم و بمونم؟» دکتر گفت: «نه، لطفا وقت جلسه رو نگیرید و چونه زنید.» دختر گفت: «بله. من می‌رم اما به شما رأی می‌دم. وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم/ که در طبقه ما کافر یست رنجیدن.» وقتی آن دختر هم

آزادراه

مواضع مترقی آقای دکتر در کلاب‌هاوس

یکی از مسئولان سابق که به اصرار میلیون‌ها نفر از مردم ایران و جهان می‌خواهد باز مسئول شود، آمد کلاب‌هاوس که مواضع مترقی‌اش را تبیین کند. اولش با گرداننده برنامه شرط کرد که خبرنگاران خارجی و داخلی بلبل زبان را راه ندهند. بعد که آمد و برنامه شروع شد، از خانم‌های متأهل خواست جلسه را ترک کنند. بعدش از دختر خانم‌های مجردی که مانده

آپارتمان شماره ۱۲

اشکال در کج فهمی ماست

عزیزمان بیفرزا.

خداوندا تو خود خوب میدانی که ما مردم لحظه‌ای به خدمتگزاری مسئولان کشور شک نکردیم. فقط همانطور که در پاراگراف قبل عرض شد، برخی مسائل برایمان خوب جانمی افتند. مثلاً راستش را بخواهی، اتوبان تهران شمال را چهل سال است دارند می‌سازند. ورزشگاه نقش جهان اصفهان بیست سال است کلنگ خورده، همین پل سر کوجه ما ۱۰ سال است فقط پایه‌هایش را نصب کرده‌اند. آن وقت خبر شروع پروژه عمرانی بزرگ‌ترین مرکز تولید واکسن کرونا، تازه این هفته منتشر شد. خداوندا هدف زیر سوال بردن زحمات مسئولان نیست، فقط اینکه به نظرمی رسد تا افتتاح این مرکز و تولید واکسن ما اگر با ویروس کرونا نمی‌میریم، قطعاً خودمان به مرگ طبیعی به نزد خودت آمده‌ایم. چه کاری است خب؟! بودجه احداث این مرکز را مسئولان بزندان به یک زخمی. فردا اگر فرزند یکی از مسئولان فعلی یا سابق در تورتو کانادا یا نیویورک خوش روی دستش خورد و هزینه پانسمان نداشت، چه کسی پاسخگوست؟ مخلص اینکه خداوندا از محبت مسئولان نسبت به ما مردم بگناه و بربردیف بودجه‌های عمرانی نیمه‌تمام بیفرزا. اما دیگر واقعاً نیازی به شروع پروژه جدید هم نیست.

خداوندا صدواوسیما... صدواوسیما... این یکی را برایمان پیش از پیش نگه دار.

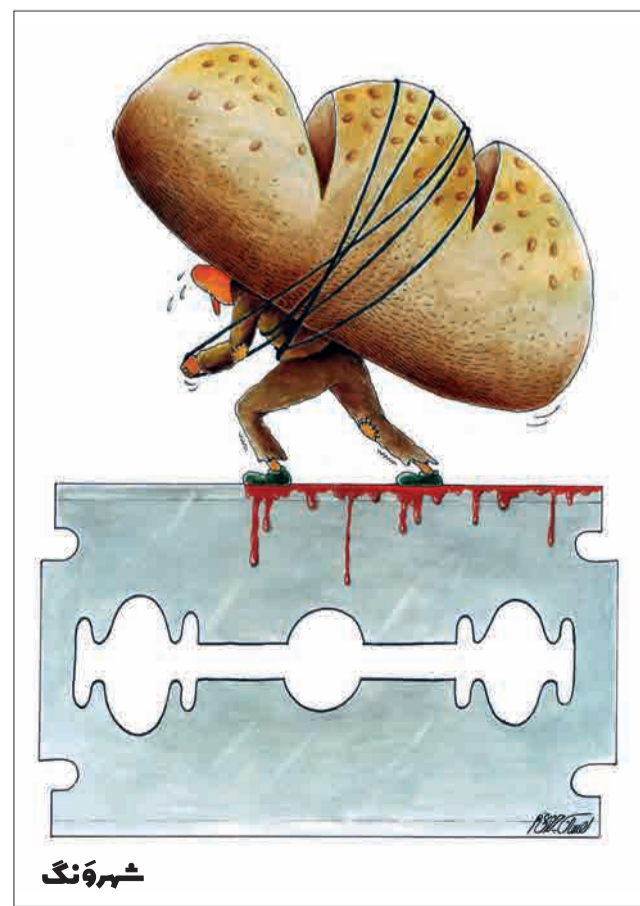


حجرت میرزایی
طنز نویس

با توجه به رویکرد مسئولان در اداره کشور به نظرمی رسد در سال ۱۴۰۰ نیز قرار نیست اتفاق خاصی بیفتد. ما مردم هم که ظاهراً کسی آدم حسابمان نمی‌کند که نقشی در اداره مملکت داشته باشیم. پس تنها کاری که می‌توان کرد، آرزو و دعا کردن است. پس در این ستون تا وقتی که به دعا کردن و آرزو نمودن مالیات نیستند، این کار را انجام می‌دهیم. خداوندا خودت بهتر می‌دانی ما از اولش اینجوری نبودیم. چندسالی کم‌کم و نرم‌نرم بعضی کارها را با ما کردند و گفتند «اولش است، تحمل کنید کم‌کم جا باز می‌کند و راحت زندگی می‌کنید.» راستش را بخواهی، قسمت اولش محقق شد یعنی تحمل کردیم و قشنگ جا باز کرد اما قسمت دوم که همانا راحت زندگی کردن بود، حداقل برای ما محقق نشد. بعدها که بیشتر تحقیق و تفحص کردیم، به این نتیجه رسیدیم که بندگان خدا دروغ نگفتند فقط ما اشتباه متوجه شدیم. در واقع کسی با ما نبود. ما خودمان را قاتی مسائل شان کردیم. یک گفت و گو و صحبت‌هایی بین خودشان بود، ما بی‌خودی خودمان را انداختیم وسط. کلاً مشکل از کج فهمی ما مردم بود، نه صداقت آنان. خداوندا فهم کجمان را راست و بر راستی و صداقت مسئولان

شهر فرنگ

احسان چراغی ایرانی‌شاهی کارنویس



شهرنگ